

دو مفهوم علیّت

نِد هال

مترجم: مصطفی تقوی

عض هیئت علمی دانشگاه صنعتی شریف



نشر اختران

www.ketab.ir

سرشناسه	هال، ادوارد جاناثان، ۱۹۶۶ - م. Hall, Edward J. (Edward Jonathan)
عنوان و نام پدیدآور	دو مفهوم علیت [کتاب] / نوشته ند هال؛ مترجم مصطفی تقوی.
مشخصات نشر	تهران: اختران، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	۱۲۰ ص؛ ۱۴×۵/۲۱؛ ۵/۳۵ م.
شابک	978-964-207-038-1
وضعیت فهرست نویسی	فیا
یادداشت	کتاب حاضر ترجمه مقاله‌ای تحت عنوان Two Concepts of Causation تألیف ند هال است.
یادداشت	واژه‌نامه.
یادداشت	کتابنامه: ص. ۱۲۳-۱۲۴.
موضوع	علت و معلول
ساخته شده	تقوی، مصطفی، ۱۳۴۱ -، مترجم
رده بندی کنگره	۴۹۳۱ ۵۲۹/۵ ۱۹۵ DB
رده بندی دیویی	۱۲۱
شماره کتابشناختی ملی	۴۱۸۸۲۹۰



نشر اختران

دو مفهوم علیت

ند هال

مترجم: مصطفی تقوی

ویراستار: محمدابراهیم باسط

طراح جلد: ابراهیم حقیقی

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۸

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی پارسیان - چاپ و صحافی فرشویه

کارگر جنوبی - خیابان روانمهر - پلاک ۱۵۲ ط ۱ تلفن: ۶۶۴۱۰۳۲۵ و 090Akhtaran
www.akhtaranbook.ir - Insta: akhtaranpub - akhtaranbook@yahoo.com

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۰۷-۰۳۸-۱

همه‌ی حقوق محفوظ است

بها: ۱۵۵۰۰ تومان

فهرست مطالب

۷	۱. مقدمه
۱۳	۲. مقدمات و یک بحث روش‌شناختی مختصر
۲۷	۳. تحلیل خلاف‌واقع ساده و دو نوع تعیین چندعاملی
۲۷	۳-۱ تحلیل ساده
۳۳	۳-۱ پیش‌گیری اولیه
۳۴	۳-۳ پیش‌گیری متاخر
۴۵	۴. ممانعت مضرب
۴۵	۴-۱ ممانعت
۴۷	۴-۲ مشکلات ترغیبات
۴۹	۴-۳ مشکلات ترذائیت
۵۴	۴-۴ مشکلات تر تعدی
۵۷	۵. نبودگی‌ها
۵۸	۵-۱ مشکلات تر موضوعیت
۵۹	۵-۲ مشکلات تر ذاتیت
۶۳	۵-۳ مشکلات تر تعدی
۶۵	۶. آسیب‌شناسی: دو مفهوم علیت
۷۵	۷. تحلیل دو مفهوم علیت
۷۶	۷-۱ راهبرد طرح کلی
۷۹	۷-۲ پیاده‌سازی راهبرد طرح کلی (مرحله اول)
۸۵	۷-۳ پیاده‌سازی راهبرد طرح کلی (مرحله نهایی)
۸۸	۷-۴ بازنگری‌ها و ملاحظات
۹۹	۸. کاربردها، پرسش‌های بی‌پاسخ و کار ناتمام
۹۹	۸-۱ کاربردها
۱۰۶	۸-۲ کار ناتمام
۱۱۵	منابع
۱۱۷	واژه‌نامه

۱. مقدمه

علیت^۱ که به صورت رابطه‌ای میان رویدادها شناخته می‌شود، دست‌کم دو نوع اساساً متفاوت دارد. یکی از این دو نوع، که من آن را «وابستگی»^۱ می‌نامم، صرفاً عبارت است از وابستگی خلاف‌واقع^۲ بین رویدادهای کاملاً معین^۳. بدین معنی، رویداد c علت رویداد (مجزای) e است تنها در صورتی که e وابسته باشد؛ یعنی در صورتی که رویداد c اتفاق نیفتد، رویداد e نیز اتفاق نخواهد افتاد. توصیف نوع دوم علیت کمی دشوارتر است، اما به طور کلی هنگامی که ما را مطرح می‌کنیم که بخواهیم از یک رویداد c صحبت کنیم که به ایجاد کردن^۴ یا موجب شدن^۵ یا تولید شدن^۶ رویداد دیگر e کمک کند، و به همین دلیل آن را «تولید»^۶ می‌نامم. در این نوشته من تمایز بین وابستگی و تولید را بیان نمی‌کنم، از آن دفاع خواهم کرد، و به بررسی پیامدهای این تمایزگذاری می‌پردازم. خلاصه مطالب به صورت زیر است:

پس از توجه به برخی مقدمات (فصل ۲)، با آزار از فغد گسترده تحلیل‌های خلاف‌واقع علیت، به شیوه‌ای نسبتاً غیرمستقیم به نفع این تمایزگذاری استدلال خواهم کرد. دلیل این رهیافت روشن است: از آنجا که من نهایتاً ساده‌ترین نوع تحلیل خلاف‌واقع را خواهم پذیرفت — البته

1 dependence

2 counterfactual dependence

3 generate

4 bring about

5 produce

6 production

فقط به عنوان تحلیل یک نوع خاص علیت رویدادی^۱ — منطقی به نظر می‌رسد که به چشم‌اندازهای این تحلیل و دیگر تحلیل‌های نظیر آن بپردازم، و همچنین بررسی کنم که چرا امیدی نیست که بتوان آنها را به تحلیل‌هایی از یک مفهوم تک‌معنا^۲ از علیت رویدادی برگرداند. به ویژه، نقد من معطوف به نشان دادن این مطلب است که بهترین تلاش‌ها برای مصون نگه داشتن تحلیل‌های خلاف‌واقع در برابر مثال‌های نقض معروف در دسترس (از جمله برخی انواع خاص تعیین چندعاملی) بر پایه سه ترم عمده در مورد علیت استوارند، که از این قرارند:

۱) تعیین: اگر رویداد c علت رویداد d باشد و d علت رویداد e باشد، نگاه c علت e است.

• موضوعیت:^۳ علت‌ها با معلول‌های خود از طریق توالی‌های پیوسته زمانی محلی^۴ اسط‌های علی پیوند دارند.

• ذاتیت:^۵ ساختار علی یک فرایند را مشخصه ذاتی غیرعلی آن (به همراه قوانین) تعیین می‌کند.

این سه ترم (به ویژه دومی و سومی) نیازمند بحث و موشکافی بیشتری هستند که در جای خود خواهد آمد. فعلاً آنها را با این مقایسه کنید که در بطن همه تحلیل‌های خلاف‌واقع از علیت قرار دارد.

۱ event-causation: در علیت رویدادی در دو سوی رابطه علی دو رویداد قرار دارند، حال آن که ممکن است علیت عاملی (agent-causation) نیز داشته باشیم که در آن یک طرف رابطه علی یک عامل صاحب اراده مانند انسان قرار می‌گیرد. (مترجم)

۲ univocal: این کلمه را به «مشترک معنوی» نیز می‌توان ترجمه کرد. به طور کلی، چنان که نویسنده در ابتدا گفته است، علیت رویدادی دو نوع دارد، و این دو نوع مفهوماً با هم متفاوت‌اند و نباید برای آنها یک معنای واحد در نظر گرفت، یا به عبارت دیگر تولید و وابستگی دو لفظ برای یک مفهوم واحد نیستند. (مترجم)

3 Transitivity
4 Locality
5 Intrinsicness

• وابستگی: وابستگی خلاف واقع بین رویدادهای کاملاً مجزا شرط کافی برای علیّت است.

در ساده‌ترین تحلیل خلاف واقع این نیز افزوده می‌شود که وابستگی برای علیّت شرط لازم است. این تحلیل به دلایل معلومی، که مختصراً آنها را مرور خواهیم کرد، در جایگاه یک تحلیل عام از علیّت با شکست مواجه می‌شود. در نتیجه، هیچ کدام از تحلیلگران خلاف واقعی که من می‌شناسم این شرط لازم را نمی‌پذیرند. اما تا آنجا که من می‌دانم شرط کافی آمده بر تر و وابستگی را همه آنها می‌پذیرند. در واقع، شاید بتوان با اطمینان گفت که تر و وابستگی سنگ بنای هر تحلیل خلاف واقعی است.

مشکل چیست؟ به زبان ساده مشکل این است که یک دسته مثال‌های تاکنون مغفول مانده، از جمله مثال‌هایی که به تعبیر من حاوی «ممانعت مضاعف» هستند، تضادهای دقیق و لاینحلی را بین ترهای تعدی و موضوعیت و ذاتیت، از یک طرف، و تر و وابستگی، از طرف دیگر، بر ملا می‌کنند (فصل ۴).

در فصل ۵ به مدعایم این را نیز اضافه می‌کنم که سه تر گفته شده، علاوه بر تر و وابستگی، با تر زیر نیز تضادهای وقتاً ماباهی دارند:

نبودگی‌ها:^۱ نبودگی‌ها - روی ندادن رویدادهای می‌توانند هم علت و هم معلول باشند. این تر نیز به بحث و موشکافی بیش نیاز دارد.

یک نتیجه فوری این است که تحلیل‌های خلاف واقع محکوم به شکست‌اند (مگر آن که، بنا به نظر من، به صورت محدود خط در مورد یک نوع از علیّت رویدادی به کار گرفته شوند): چون این تحلیل‌ها برای همخوان شدن با مثال نقض‌های شناخته‌شده شامل تعیین چندعاملی نیازمند سه تر اول هستند، حال آن که اگر بنا باشد با مثال نقض‌های شناخته‌شده شامل ممانعت مضاعف سازگار شوند دیگر نمی‌توانند از آن

ترها تبعیت کنند (همچنین اگر نبودگی‌ها را به عنوان علت و معلول بپذیرند نیز نمی‌توانند از این ترها تبعیت کنند).

این نتیجه‌گیری گرچه مهم است، اما تحت‌الشعاع مطلب بسیار مهم‌تری قرار می‌گیرد که آن را در فصل ۶ باز می‌کنم. زیرا پنج تز مذکور همگی، به ادعای من، صادق هستند. اما با در نظر گرفتن تضادهای عمیق و انحلال بین آنها، این امر فقط می‌تواند به این دلیل باشد که این ترها توصیف‌کننده مفهومی متمایزی از علیت هستند. رویدادها می‌توانند در یک نوع رابطه علی - وابستگی - ظاهر شوند که برای توضیح این نوع علیت تحلیل - اطلاق - واقع کاملاً مناسب است (و در این نوع علیت، نبودگی‌ها می‌توانند طرفین رابطه کاملاً مناسبی باشند). رویدادها همچنین می‌توانند طی یک نوع رابطه علی - کاملاً متفاوت - تولید - ظاهر شوند که مستلزم نوع تحلیل کاملاً متفاوتی است (و در این رابطه علی، نبودگی‌ها طرفین رابطه مناسبی نیستند). ترهای وابسته که در رابطه علی نخست صادق هستند؛ و ترهای تعدی، رضعیت، ذاتیت در رابطه دوم صادق هستند. فصل ۶ را با دفاع از این ادعا در برابر برخی از ایرادهای آشکار وارد بر آن به پایان می‌رسانم.

تولید و وابستگی را چگونه باید تحلیل کرد؟ وابستگی به گمان من ساده است؛ وابستگی خلاف واقع است، نه بیشتر و نه کمتر. البته شاید با این شرط که بگوییم وابستگی خلاف واقع خود می‌تواند گونه‌های مختلفی داشته باشد؛ فصل ۷ را برای بحثی مختصر در این مورد ببینید). تولید دشوارتر است، و در فصل ۷ پیش‌طرحی نظری برای تحلیل آن ارائه می‌کنم که محدود است به موارد خاص قوانین موجبیتی که اجازه کنش از دور زمانی و اجازه علیت پس‌رو را نمی‌دهند. اما در عین حال خواهم گفت که من بسیار بیش از آن که از این تفسیر ویژه از تولید مطمئن باشم، به مناسب بودن تمایز این دو رابطه اطمینان دارم.

در فصل ۸ با پیشنهاد چند راه برای عملی کردن تمایز بین تولید و وابستگی، و با برجسته کردن آنچه به زعم من مهم‌ترین کارهای ناتمام است، مطلب را به پایان خواهم برد.

www.ketab.ir